

بررسی فقهی و حقوقی نقش همسر در تداوی و جراحی زوجه

سیده حوا حسینی^۱

چکیده

پژوهش حاضر، به تبیین نقش همسر در تداوی و جراحی زوجه را از دیدگاه فقه و حقوق می‌پردازد. مساله تداوی و جراحی از جهت ارتباط با تمکین عام و خاص و ریاست مرد بر زوجه و نیز به دلیل افزایش جراحی‌های غیرضروری در زمان کنونی، مورد توجه ویژه قرار گرفته است. نویسنده در راستای تبیین عنوان، ابتدا به مفهوم شناسی پرداخته و سپس مباحث اصلی از جمله ریاست مرد بر خانواده، لزوم اذن در اقسام تداوی و جراحی و موارد نازاکردن دائمی زن و اثر رضایت مرد در آن را مورد مذاقه قرار داده و معلوم می‌کند کدام نوع از هزینه‌های درمانی از مصادیق نفقه و برعهده زوج به شمار می‌آید و حکم جواز یا عدم جواز اجبار زوجه برای جراحی زیبایی و اجرای حکم مزبور را از باب ریاست مرد، از باب تمکین و نیز از باب استمتاع، بررسی نموده است و به این نتایج دست می‌یابد که در تداوی و جراحی ضروری اذن همسر ملاک نیست مگر اینکه در تداخل با تمکین خاص باشد. اما در تداوی و جراحی غیر ضروری و زیبایی، اذن همسر ملاک است. زوج نمی‌تواند زوجه را به انجام عمل جراحی غیر ضروری و زیبایی مجبور کند. هزینه‌های بیماری‌های ساده جزء نفقه و برعهده زوج است. هزینه‌های سنگین و پرهزینه جزء نفقه نیست و همسر آن هزینه را برای احسان و حسن معاشرت می‌پردازد به شرط اینکه باعث عسر و حرج زوج نشود. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای نوشته شده است.

واژگان کلیدی: زوجه، تداوی، اذن، نفقه، اجبار.

^۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، افغانستان.

۱. مقدمه

جسم و جان انسان یکی از نعمت‌های بزرگ الهی است و انسان وظیفه دارد از آن نگهداری و مراقبت کند. به همین دلیل باید احکام و آداب تداوی یا درمان را بداند. تداوی یعنی، اقدام برای حفظ و بهبود سلامتی و قدمت آن به قدمت عمر بشر است. دین اسلام به حفظ سلامتی اهمیت زیادی می‌دهد به حدی که شغل پزشکی از واجبات کفایی است. در این زمینه احادیث و روایات بسیاری نقل شده است و دانشمندان و فقها همواره به تبیین احکام تداوی مشغول بوده‌اند، ولی چون پیشرفت علم پزشکی چشمگیر است و هر روز مسائل مستحدثه جدیدی پیش می‌آید تبیین احکام فقهی جدید پزشکی ضرورتی است که همه اقشار جامعه و به‌ویژه بانوان به آن نیاز مبرم دارند. زنان به عنوان نیمی از پیکره بشریت و ایفاگر نقش همسری و زوجیت، احکام وضعی خاصی در درمان دارند. پژوهش حاضر حدود دخالت زوج در تداوی زوجه را از نظر فقهی و حقوقی بررسی می‌کند.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. زوجه

زوجه در لغت به معنای زن است (مقابل شوی) (دهخدا، ۱۳۸۵، ۱/۱۵۹۱) و زنی که شوهر دارد در عقد نکاح دائم و منقطع (جعفری لنگرودی، ص ۲۱۱). قابل ذکر است که زوجه در پایان‌نامه حاضر فقط ناظر به عقد دائم است و عقد منقطع را شامل نمی‌شود.

۲-۲. زوجیت

پیوند برآمده از عقد نکاح که بین زن و شوهر ایجاد می‌شود را زوجیت می‌گویند. زوجیت قاعده‌ای جهانی است و به عنوان قاعده‌ای حاکم بر مخلوقات الهی در قرآن کریم آمده است. خداوند در آیات مختلف درباره زوجیت سخن گفته است: «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (ذاریات: ۴۹)، «سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا» (یس: ۳۶)، «وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ» (رعد: ۳). این آیات مبین آن است که گویا کائنات مخلوق الهی باید زوج باشند و در فردیت نقصانی است که با تزویج قدم در راه تکامل نهاده می‌شود (روشن، ۱۳۹۰، ص ۷).

۳. آثار زوجیت

منظور از روابط زوجیت فقط مسائل جنسی نیست بلکه روابط شخصی یا غیر مالی و مالی زوجین را نیز شامل می‌شود. ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی می‌گوید: «وقتی نکاح به صورت صحیح واقع شد روابط زوجیت بین طرفین به وجود می‌آید و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل یکدیگر برقرار می‌شود. استمتاع، تمکین، نفقه و ... از آثار زوجیت است».

۴. اذن و رضایت همسر در تداوی زوجه

مرد به عنوان رئیس خانواده می‌تواند در مواردی با درخواست زوجه مخالفت کند و کسب اذن و رضایت از زوج در مواردی بر زوجه واجب است. پژوهش حاضر به این سؤال پاسخ می‌دهد که آیا در امر تداوی و جراحی زوجه، اذن و اجازه زوج لازم است یا خیر.

۴-۱. اذن در لغت

دستور، دستوری، امر، علم و اطلاع، پروانه، دستور دادن و فرمان. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰، ۳۳۶/۱)

۴-۲. اذن در اصطلاح

اذن در اصطلاح یعنی، رضای به فعل یا ترک از دیگری که ابراز شده باشد. رضای اظهارنشده، اذن نیست. اثر اذن رفع حرمت تصرف در مال مأذون و یا در جان او (اذن علاج پزشک) است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰، ۳۳۶/۱)

۴-۳. اذن در تداوی

۴-۳-۱. اهمیت سلامتی و وجوب حفظ نفس

انسان آفریده خدا و خلیفه و امانت‌دار او است و برای زندگی و حیاتی آفریده شده است که براساس آیه «اسْتَجِیْبُوا لِلَّهِ وَّ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا یُحْیِیْكُمْ» (انفال: ۲۴)، خدامحور است و در انجام عمل بندگی به بدن سالم نیاز دارد. بهره‌مندی همه‌جانبه انسان از سلامتی اساس فعالیت‌های او در زندگی مادی و معنوی است که در زبان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از آن به نعمت پنهان و ناشناخته یاد شده است؛ زیرا یکی از عوامل آرامش، داشتن جسم و جان سالم است. عقل و نقل، حفظ تندرستی را لازم و واجب می‌دانند و می‌گویند انسان حتی هنگام سخت‌ترین مصیبت‌ها نیز نباید به جسم و جان خود آسیب برساند و اضرار به آن را حرام می‌دانند. روایات

مختلفی درباره حفظ نفس، مراقبت از بدن و پرهیز از زیان رساندن به آن بیان شده است که بر حفظ صحت بدن تأکید دارند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به ابوذر فرمود: «ای ابوذر! سلامتی را پیش از بیماری دریاب و از آن برای زمان بیماری بهره بگیر». امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در تفسیر آیه: «وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا؛ بهره واقعی خود را از ثروت دنیا از کف مده» (قصص: ۷۷)، می‌فرماید: «سلامتی خود را فراموش نکن» و در تفسیر آیه: «ثُمَّ لَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ؛ روز قیامت درباره نعمت‌ها از شما سؤال خواهد شد» (تکواثر: ۸)، می‌فرماید: «نعمتی که از آن پرسیده می‌شود سلامتی است». یکی از مسائل نوظهر زمان کنونی، انتخاب مرگ یا اتانازی به دلیل ابتلا به بیماری‌های سخت یا ترس از پیری است درحالی‌که آموزه‌های دین، با بیان اهمیت حق حیات انسان، بر لزوم حفظ نفس تأکید می‌کند. (سلطانی و کراچیان ثانی، ۱۳۹۲، ص ۸۶)

۴-۳-۲. ریاست مرد بر خانواده

براساس آیات قرآن کریم و آموزه‌های دین اسلام مرد رئیس و صاحب‌نظر بر امور خانواده است و در قانون مدنی هم به آن اشاره شده است. در ماده ۱۱۰۵ ق.م.د در روابط زوجین، ریاست خانواده از ویژگی‌های شوهر است. بنابراین، باید بررسی شود که آیا زوج می‌تواند در امر تداوی و درمان زوجه صاحب‌نظر و اختیاری باشد یا خیر. دکتر کاتوزیان می‌نویسد:

مفهوم ریاست مرد بر حسب عادات و رسوم هر اجتماع متفاوت است. در سده‌های پیشین تصور می‌کردند که مرد رهبر مطلق خانواده و حامی اشخاص ناتوانی است که به نام زن و فرزند با او زندگی می‌کنند. روح و جسم زن از آن او است و باید آسایش و رضای خاطر شوهر را فراهم کند. وظیفه زن اطاعت محض از شوهر است و مرد هرطور که بخواهد می‌تواند از حق ریاست خود استفاده کند، ولی امروزه ریاست مرد به انجام یک وظیفه اجتماعی شبیه‌تر است تا به اجرای حق شخصی. مرد رئیس خانواده است؛ زیرا بهتر می‌تواند مسئولیت اداره آن را برعهده بگیرد. (کاتوزیان، ۱۳۷۵، ۲۲۶/۱)

در آیات، روایات و مواد قانونی مطلبی درباره اذن و رضایت مرد نسبت به تداوی و درمان زن نیامده است، اما به نظر می‌رسد با توجه به قاعده سلطنت و اصل عدم ولایت در امر تداوی، زوجه نیازمند اذن زوج نیست. براساس قاعده سلطنت زوجه هم مانند سایر زنان بر اعضا و بدن خود سلطه دارد و می‌تواند برای تداوی اقدام کند و نیازمند اذن دیگری نیست.

۴-۳-۱. اصل عدم ولایت درباره ریاست مرد در خانواده

اصل بر آن است که هیچ کس بر مال و جان دیگری ولایت نداشته باشد. بنابراین، ثبوت ولایت بر دیگران دلیل می‌خواهد. موضوع قاعده ولایت به معنای خاص آن، جان و مال دیگران است. جست‌وجو در مسائل فقهی نشان می‌دهد که ولایت، منحصر در پدر و جد پدری است و به سایر خویشاوندان تسری پیدا نمی‌کند، اما در موارد خاص، ولایت را به شش گروه دیگر نیز تسری داده‌اند از جمله: مولی نسبت به برده، حاکم شرع، مؤمنان عادل، وصی پدر و وصی جد پدری و وکیل هر یک از ایشان. (زراعت، ۱۳۸۸، ص ۱۷۵) براساس نظر این دسته از فقها زوج بر زوجه هیچ‌گونه ولایتی ندارد. در این مورد هم نه دلیل خاصی وجود دارد و نه در دسته‌بندی شش‌گانه از چنین ولایتی نام برده شده است. گروهی دیگر بر این عقیده‌اند که زوج بر زوجه ولایت دارد، اما فقط در اطاعت از وی. این دسته از اندیشمندان می‌گویند ولایت مرد بر زن یعنی، زوج بر زوجه نسبت به مال و جان زن نیست بلکه ولایت زوج نسبت به زوجه اطاعت زن از مرد است آن هم نه در همه امور بلکه در امور مربوط به زندگی مشترک (فرحی، ۱۳۹۰، ص ۹۲۶). به نظر می‌رسد که گروه دوم مبحث ریاست شوهر را با قاعده ولایت درهم‌آمیخته باشند. به هر حال براساس هر دو نظر مشخص است که اجازه زوج برای تداوی نیاز نیست و می‌توان گفت براساس اصل عدم ولایت در امر تداوی و اقدام به درمان، نیازی با اذن زوج نیست مگر در مواردی که به حق شوهر نسبت به استمتاع و تناسل و تکثیر نسل مربوط باشد.

۴-۳-۲. تراحم حق همسر و وجوب تداوی

در مواردی که تداوی واجب باشد حتی اگر انجام درمان مستلزم خروج زوجه از منزل شود و شوهر مخالف خروج وی باشد و یا اینکه درمان وی مانع بعضاً مانع از بعضی استمتاعات زوج شود باز همسر نمی‌تواند مانع انجام آنها شود؛ زیرا در تراحم، حرمت عدم تمکین از زوج برای زوجه و وجوب حفظ سلامتی وی، وجوب حفظ سلامتی به عنوان حکم اهم مقدم می‌شود و نیازی به اذن شوهر نیست. (احمدی، ۱۳۹۶، ص ۷۶)

۴-۴. اذن در اعمال جراحی زوجه

جراحی روشی است که مخاطره‌آمیز است و خطرات جانی دارد، با تمامیت جسمانی فرد معارضه دارد و تهاجمی است؛ زیرا با ایجاد جراحت در بدن فرد و دست‌اندازی و دست‌کاری اندام داخلی

بدن است و چون یکی از پرعارضه‌ترین روش‌های درمانی است نیاز به رضایت فرد برای انجام دارد. همان‌طور که استفاده از وسایل و مایملک افراد نیاز به اجازه دارد به طریق اولی تداخل و دست‌اندازی به تمامیت جسمانی افراد هم نیاز به اجازه و رضایت او دارد، اما لازم است. باید دانست که آیا رضایت همسر هم در جراحی لازم است یا خیر.

۴-۴-۱. جراحی درمانی

جراحی درمانی ملحق به تداوی می‌شود، پس همان‌گونه که در تداوی نیاز به اذن زوج نیست در جراحی درمانی نیز نیاز به اذن زوج نیست، اما رضایت‌نامه‌ای که بیمارستان‌ها در ابتدای پذیرش از زوج می‌گیرند در واقع برائت‌نامه پزشک است که مرسوم است و هر بیمارستانی جداگانه برای امور اداری خودش چاپ کرده است و به امضای سرپرست خانواده یعنی، زوج می‌رساند؛ زیرا مرد به عنوان رئیس خانواده بهتر مصالح خانواده را تشخیص می‌دهد و این زوج است که باید هزینه‌های بیمارستان را بپردازد. بنابراین، بیمارستان‌ها برای پیشگیری از عواقب بعدی و جلوگیری از شکایت احتمالی مرد، اقدام به امضای آن می‌کنند و گرنه از نظر فقهی نیازی به امضا و اجازه زوج در اعمال جراحی درمانی و ضروری زوجه نیست؛ زیرا زوجه به عنوان یک زن بالغه رشیده اذن و رضایت خودش برای جراحی کافی است و براساس قاعده سلطنت و اصل عدم ولایت، نیازی به اذن زوجه ندارد. (شریعتی، ۱۳۹۳، ص ۱۰)

۴-۴-۲. جراحی زیبایی ترمیمی و ضروری

این مورد هم ملحق به تداوی است و نیازی به اذن زوج ندارد. (صالحی و باقری مطلق، ۱۳۹۶، ص ۳۲)

۴-۴-۳. جراحی زیبایی غیرضروری

این موارد تاجایی که به حقوق همسر مانند خروج از منزل و استمتاعات جنسی وی خلل وارد نکند، نیازی به اذن همسر ندارد، اما اگر با حقوق همسر تزاخم یابد باید رضایت همسر حاصل شود؛ زیرا چنین مواردی جزء موارد وجوب درمان نیست. (کیخا و چراغی پور و عباسی، ۱۳۹۸، ص ۹۲)

۴-۴-۴. موارد ژنیکولوژی

در مواردی مانند برداشتن رحم یا بستن لوله‌های رحمی اذن و اجازه همسر لازم است. اگر رضایت زوج لازم دانسته شد و انجام اعمال جراحی یا طبی نیز ضروری بود ولی زوج از دادن

رضایت خودداری کرد و یا اینکه در دسترس نبود تا کسب رضایت شود، تکلیف چیست؟ به نظر می‌رسد در فرضی که زوج بدون دلیل موجه از دادن رضایت امتناع می‌کند و انجام عمل جراحی یا طبی نیز ضروری است با توجه به اینکه هیچ کس نباید اعمال حق خود را وسیله اضرار غیر قرار دهد (اصل ۴ قانون اساسی) حق رضایت او ساقط می‌شود و همان‌طور که برخی فقها فتوا داده‌اند در این موارد نیازی به اخذ رضایت زوج نیست. (رحیمی، ۱۳۹۰، ص ۴۲)

۴-۱-۱-۴. بررسی رضایت زوج در روش‌های پیشگیری از بارداری و عقیم‌سازی دائمی زن (توبکتومی)

یکی از حقوق مسلمی که با عقد نکاح برای زن و شوهر ثابت می‌شود حق استمتاع و تأمین نیازهای جنسی است که صرف نظر از حدود و شرایط آن رعایتش بر دو طرف لازم است. آیا استفاده از روش‌های ضد بارداری توسط زن لازم است؟ این بحث مبتنی بر آن است که آیا حق استمتاع شامل حق استیلاد هم می‌شود یا خیر؟ به بیان دیگر اگر استفاده از روش‌های پیشگیری از بارداری با حق استمتاع مرد یعنی، تأمین نیازهای جنسی وی نه حق استیلاد منافات داشته باشد، تردیدی نیست که استفاده از این روش‌ها جایز نیست و زن به رعایت حق همسر ملزم است مگر آنکه عدم استفاده از این روش‌ها ضرر یا حرج شدید بر زن وارد کند که مسئله حکم دیگری پیدا می‌کند. (خلجی، ۱۳۸۵، ص ۷۰)

اول) آیا حق استمتاع شامل حق استیلاد هم می‌شود یا نه

ادله حق استمتاع حق استیلاد را هم ثابت می‌کند. آیه ۲۲۳ سوره بقره حق استیلاد مرد را ثابت می‌کند و می‌فرماید: «نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ؛ زنان کشتزار شوهران خویش هستند». مراد از حرث، مکان حرث است و از عموم آیه دریافت می‌شود که زرع و حرث به شوهر سپرده شده است. بنابراین، همان‌طور که «فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ» بر «نَسَاؤُكُمْ» متفرع شده است اصل حرث و زرع نیز در آن کشتزار به اختیار شوهر است و وقتی امر زرع و حرث در دست شوهر باشد آنچه در این کشتزار حرث می‌شود چیزی جز ولد نیست، پس اختیار استیلاد به شوهر سپرده شده است و هیچ کس حتی خود زن نمی‌تواند این حق را منع کند (مؤمن قمی، ۱۴۱۵، ص ۶۱).

واژه لکم در آیاتی مثل «حَرْثٌ لَّكُمْ، خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ» و در آیه «جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا» بر بیش از اختصاص دلالت نمی‌کند؛ زیرا آنچه در زمین است ملک کسی نیست بلکه به این

معناست که برای شما آفریده شده است و هر یک از شما می‌تواند از آن بهره‌گیرد. حق اختصاص و آفریده شدن برای او به این معنا نیست که به‌طور کامل از آن اوست. بنابراین، در اختیار بودن یا نبودن بارداری و حق داشتن در این زمینه باید از دلایل دیگر استفاده یا نهی شود؛ زیرا آیه یاد شده درصدد بیان این مطلب به عنوان حقی برای شوهر نیست. (خلجی، ۱۳۸۵، ص ۷۰)

برخی این پاسخ را رد کرده‌اند و متذکر شده‌اند که این بیان با عبارتهایی که در دیگر آیات آمده است، تفاوت دارد؛ زیرا این آیات درصدد آن است که می‌خواهد بر انسان‌ها منت بگذارد، پس خدا همه چیز را آفرید و رام آنها کرد تا از آنها سود برده و آرام گیرد. همچنین همسرانی از خود آنها آفرید و منافاتی ندارد که بهره‌گیری از اینها مشروط به شرایط باشد، ولی در آیه مذکور در پی روشن شدن چگونگی رفتار با همسران است و اینکه آنها کشتزارهای شوهران خود هستند و از هر سو بخواهند، می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. در نتیجه این آیه برای اثبات حق شوهران است. (مؤمن قمی، ۱۴۱۵، ص ۶۳)

مردان علاوه بر حق استمتاع، حق استیلا هم دارند، پس در استفاده از روش‌های موقت پیشگیری چنانچه ضرورت دیگر یا عسر و حرج زن مطرح نباشد باید رضایت زوج موجود باشد و در توبکتومی هم همین حکم جاری است. حتی اگر حق استیلا برای مرد ثابت نباشد مرد به واسطه ریاست بر خانواده، حق دخالت مستقیم در فرزندآوری خانواده را دارد. (کینخا و چراغی پور و عباسی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۰)

۵. هزینه‌های تداوی و جراحی زوجه

امروزه باتوجه به پیشرفت‌های علمی و تنوع بسیار زیاد انواع تداوی هزینه‌های درمانی افزایش چشمگیری یافته است. همچنین افزایش انواع جراحی‌های غیرضروری هزینه‌های سنگینی را بر خانواده‌ها تحمیل می‌کند. اکنون باید انست که زوج تا چه حد و حدودی ملزم به پرداخت هزینه‌های تداوی است و هزینه کدام یک از روش‌های تداوی و جراحی جزء نفقه زوجه است؟ یکی از مهمترین حقوقی که در شریعت اسلام برای زوجه در نظر گرفته شده است حق نفقه است که به عنوان تکلیفی بر عهده زوج قرار داده شده است. (لطفی، ۱۳۸۱، ۲۵۱/۱) نفقه از حقوق اختصاصی زن و از تکالیف مرد است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آخرین خطبه خود با اشاره به اهمیت این حق فرمود: «فعلیکم کسوتهن و رزقهن بالمعروف فانما النساء عندکم عوان لایملکن

لانفسهن شیئا. اخذتموهن بامانه الله و استحللتم فروجهن بکلمه الله» (خامنه‌ای، ۱۳۶۸، ص ۸۳). حقوق مالی زوجه در نظام حقوقی اسلام پیچیدگی و ظرافت خاصی دارد. اعطای حق مالکیت و استقلال مالی به کارهایی که وظیفه او نیست از یک طرف و سهم الارث کمتر زنان در مقایسه با مردان از سوی دیگر سبب شده است برخی نویسندگان، حقوق مالی زوجه را در اسلام اجحاف بر زن بدانند، اما با ملاحظه مجموع مزایای مالی و جمع جبری آن با کسوراتی که در ارث زنان وارد شده است، مشخص می‌شود که این تراز به نفع زنان مثبت است. این مطلب را بعضی محققان بی طرف هم بیان کرده‌اند (هدایت‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۸۶). گوستاولوبون می‌گوید:

حقوقی که قرآن و کتاب‌های فقهی برای زن مقرر داشته‌اند به مراتب بیش از حقوقی است که زنان اروپایی دارند. یک زن مسلمان علاوه بر مهریه‌ای که دارد اختیار اموال شخصی خود را دارد و به هیچ وجه ملزم نیست برای شرکت در مخارج منزل مبلغی بپردازد و هنگامی که طلاق گرفت نفقه مخارج روزانه خود را می‌گیرد. (گوستاولوبون، ۱۳۵۳، ص ۵۰۵)

۶. نفقه

۶-۱. نفقه در لغت

نفقه از ریشه نفق به معنای خارج شدن، رفتن و هلاک شدن است. نفقه زن یا نفقه اولاد را از آن جهت نفقه نامیده‌اند که آنچه مرد برای همسر و فرزندان خرج می‌کند به شکلی از مال وی خارج شده است و صرف زندگی زن و فرزندان می‌شود. (ابن عابدین، ۱۴۱۵، ۶۴۳/۲)

۶-۲. نفقه در اصطلاح

از دیدگاه فقهای امامیه نفقه زوجه به معنای غذا، لباس، مایحتاج روزمره عمومی و مسکن است. (نجفی جواهری، بی تا، ۳۳۰/۳۱) نفقه در اصطلاح حقوقی شامل چیزهایی است که شخص برای زندگی به آنها احتیاج دارد مانند خوراک، پوشاک، مسکن و اثاثیه داخل آن. بنابراین، نفقه در اصطلاح حقوقی تأمین ضروریات همسر و اقارب واجب‌النفقه است (بشیری، ۱۳۹۵، ص ۱۲۹).

۶-۳. نفقه در قانون

در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی آمده است: «نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث‌البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت داشتن زن به داشتن

خادم یا احتیاج او به دلیل مرض یا نقصان اعضا». (قانون مدنی، م ۱۱۰۷) چون این ماده به صورتی است که به نظر می‌رسید نفقه محصور در موارد ذکر شده باشد، قانون‌گذار برای رفع ابهام، این ماده را در تاریخ ۱۳۸۱/۹/۴ به صورت زیر اصلاح کرد:

۶-۳-۱. نفقه در ماده اصلاحی

نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن مانند مسکن، البسه، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت داشتن عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض. (قانون مدنی، اصلاحیه ۱۳۸۱/۹/۴)

براساس اصلاحیه فوق بدون شک باید گفت که نفقه شامل تمام نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زوجه است و حتی مواردی هم که در ماده فوق ذکر شده است برای نمونه است. براساس اصلاحیه فوق‌الذکر هزینه‌های درمان بیماری زوجه اگر متعارف باشد جزء نفقه است مشروط بر اینکه باعث عسر و حرج زوج نشود (لطفی، ۱۳۸۱، ۲۵۲/۱).

۶-۳-۲. مصادیق نفقه

سید مصطفی محقق داماد به نقل از کتب فقهی، نفقه را به هشت دسته طبقه‌بندی کرده است از جمله: نان و خورش، لباس، فراش، وسایل طبخ، وسایل تنظیف و آرایشی، مسکن و خدمتکار، اما در انتها تذکر می‌دهد که نفقه فقط به این امور هشتگانه اختصاص ندارد و اگر نیازهای دیگری هم وجود داشته باشد جزء نفقه است. (محقق داماد، ۱۳۶۵، ص ۲۹۱) به‌طور کلی می‌توان گفت که منظور از نفقه زوجه آن چیزهایی است که زن برای گذراندن زندگی به آنها نیاز دارد و تشخیص این نیاز توسط عرف رایج در جامعه صورت می‌گیرد و همچنین وضعیت و شخصیت زن نیز تا حدی باید مورد توجه قرار گیرد. با اینکه این موارد نظر بیشتر فقها و حقوق‌دانان است، اما در مورد داخل شدن برخی موارد مانند هزینه حمام، هزینه دارو و معالجه در شمول نفقه اختلاف نظر است. بیشتر فقها معتقدند که هزینه معالجه، دارو و حمام جزء نفقه نیست. محقق قمی در جامع‌الشتات می‌گوید: «ظاهراً این است که قیمت دارو بر زوج لازم نیست و این داخل نفقه نیست و همچنین اجرت حمام و اجرت حمام، مگر اینکه هوا سرد باشد و از برای غسل محتاج به حمام باشد» (محقق قمی، ۱۳۷۹، ص ۱۹۶). صاحب جواهر می‌فرماید: «السادس اله التنظیف و هی المشط و الدهن و لایجب الکحل و الطیب، یجب المزیل للصلان... و لا تتحق

علیه الدواء للمرض و لا اجره الحجامه و لا الحمام الا مع البرد». بنابراین، صاحب جواهر هم هزینه دارو را در شمول نفقه نیاورده است (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۱/۳۳۵).

امام خمینی رحمته الله در تحریر الوسیله درباره هزینه حمام و معالجه می فرماید:

شاهدا اجرت حمام در وقت احتیاج از انفاقی است که زوجه آن را استحقاق دارد چه برای غسل کردن باشد یا برای نظافت در صورتی که شهر او از جاهایی است که شستن و غسل نمودن در خانه متعارف نیست یا متعذر یا سخت است برای سرما و غیر آن... و همچنین است (داخل در نفقه) ادویه‌ای که متعارف است و به سبب بیماری‌ها و دردهایی که کم شخصی در ماهها و سالها خالی از آنها باشد، خیلی زیاد نیاز به آنهاست، ولی ظاهراً آن است که دارویی که در معالجات سخت مصرف می‌شود و از باب اتفاق احتیاج به آن دارد، خصوصاً اگر به بذل مال زیادی محتاج باشد جزء نفقه نمی‌باشد. (امام خمینی، ۱۳۶۳، ص ۵۵۸)

فقه‌های امامیه در مورد دارو می‌فرمایند:

هرگاه دارو بابت بیماری ساده باشد که انسان به وفور به آن مبتلا می‌شود (مثل سرماخوردگی) جزء نفقه محسوب می‌شود، اما اگر هزینه معالجه بابت بیماری شایع و رایج نباشد، مانند هزینه عمل جراحی، خصوصاً اگر هزینه آن بالا هم باشد فرد را نمی‌توان ملزم به تأمین آن دانست. (بشیری، ۱۳۹۵، ص ۱۳۳)

۴-۶. نتیجه‌گیری در بحث نفقه زوجه

به موجب زوجیت، نفقه زوجه بر مرد واجب می‌شود. فقها هزینه‌های خوراک، پوشاک و مسکن زوجه را به نحو اجماعی ضروری و از نیازهای عمده و اولیه حیاتی زوجه می‌دانند، پس درباره پرداخت هزینه‌های درمان که از این موارد مهمتر است به طریق اولی باید حکم کنند. وجوب نفقه زوجه بیمار در زمان بیماری نیز ادامه دارد. بنابراین، وجوب نفقه زوجه بیمار قرینه‌ای است بر اینکه حفظ سلامت و حیات زوجه ضروری است و این امر نیازمند پرداخت هزینه‌های درمان زوجه است. در تعیین میزان نفقه و توسعه آن به تأمین هزینه‌های دارو و درمان به‌ویژه در بیماری‌های صعب‌العلاج با هزینه‌های بالا باید به وضعیت مالی مرد نیز توجه شود. (صادقی مقدم، ۱۳۹۴، ص ۴۱۷)

۷. حکم اجبار همسر برای جراحی زیبایی

اگر زن و شوهر در مورد یک عمل جراحی زیبایی با هم توافق نداشته باشند، برای مثال مرد دوست داشته باشد که همسرش عمل زیبایی بینی انجام دهد یا عمل زیباسازی اندام جنسی را داشته باشد، اما زوجه به دلیل هراس از عملیات جراحی یا به هر دلیل دیگری این دستور زوج را نپذیرد، آیا همسر می‌تواند و حق دارد زوجه را اجبار کند یا خیر؟ مرد به سه دلیل شاید بتواند زوجه را اجبار کند: اول اینکه مرد رئیس خانواده است و اطاعت از امر وی لازم است. دوم اینکه تمکین از مرد بر زوجه لازم است و اطاعت امر جراحی زیبایی نوعی تمکین است و سوم اینکه مرد حق استمتاع و بهره‌وری جنسی از زوجه را به هر شکلی دارد، پس دستور وی مبنی بر انجام جراحی زیبایی در راستای استمتاع جنسی وی است و باید اطاعت شود.

۷-۱. اجرای حکم اجبار همسر برای جراحی زیبایی از باب ریاست خانواده

ریاست خانواده به موجب ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی از خصایص شوهر است و در حقوق ایران آثار و نتایج دارد. تکلیف زن بر تمکین از شوهر از آثار ریاست مرد بر خانواده است. بنابراین، ریاست مرد در خانواده دلیل بر لزوم اطاعت از او در امر جراحی زیبایی نمی‌شود بلکه باید تمکین و محدوده آن بررسی شود.

۷-۱-۱. از باب تمکین

۷-۱-۱-۱. تمکین در لغت و در اصطلاح

تمکین در لغت اعطای قدرت و سلطه است. در اصطلاحات حقوق مدنی تمکین عبارت است از اظهار اطاعت زوجه به شوهر. این اطاعت اختصاص به استمتاع ندارد، پس خروج از خانه بی‌اذن شوهر، خروج از اطاعت شوهر است و نشوز محسوب می‌شود. (شهید ثانی، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۴۲۷)

۷-۱-۲. انواع تمکین

الف) تمکین عام که برابر ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی وظایف عمومی در منزل شوهر است مثل حق شغل، حق سکونت، اطاعت از شوهر و... تمکین به معنی عام آن است که زن وظایف خود را نسبت به شوهر انجام دهد و از او در حدود قانون و متعارف اطاعت کند و ریاست شوهر را در امور خانواده بپذیرد. (صفایی، ۱۳۹۰، ۱/۱۴۷) در تمکین عام معیار تشخیص اموری که شوهر می‌تواند از زن انتظار داشته باشد، عرف است. داوری باید نوعی باشد و شوهر حق ندارد انتظاری

بیش از حد متعارف از زن داشته باشد. بنابراین، اگر شوهر توقعاتی نامشروع و یا غیر متعارف از زن داشته باشد زن مکلف به اطاعت از او نیست. ضابطه تمکین عام رفتار متعارف انسانی است که در آن شرایط خاص زندگی می‌کند و از این نظر هر دو جنبه نوعی و شخصی دارد. برای مثال مفهوم تمکین درباره زن روستایی که با شوهر خود در مزرعه کار می‌کند با زنی که عهده‌دار مسئولیت اداری است و شوهر نیز به سیاست یا طبابت اشتغال دارد، یکسان نیست. همبستگی، خوش‌رویی، احترام متقابل و اطاعت در این دو رابطه تفاوت فراوان دارد و رعایت این موارد تبعیض در اجرای قانون نیست بلکه لازمه احترام به عرف است که در این‌گونه امور از منابع حقوق است (کاتوزیان، ۱۳۷۵، ۲۲۷/۱).

ب) تمکین خاص که برابر ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی انجام وظایف خاص زناشویی است. شیخ طوسی در این زمینه می‌فرماید: «تمکین یعنی، برطرف کردن هر مانعی میان خود و همسر و تمکین کامل به این معناست که زوجه خود را به‌طور کامل در اختیار زوج قرار دهد بدون هیچ اعتراضی بر زوج». (شیخ طوسی، ۱۳۸۶، ۱۱/۶) داوری نهایی برعهده اخلاق و عرف است. لزوم تمکین به این معنا نیست که احساس زن نادیده گرفته شود بلکه روابط زناشویی باید براساس نیازهای طرفین و به حکم عقل و طبیعت و هدف اصلی ازدواج که تشکیل زندگی مشترک برای رسیدن به آرامش است، تنظیم شود و در قرآن کریم نیز امر به معاشرت معروف می‌شود این حق تمکین خاص هم مانند تمکین عام طرفین است و شخصیت و احساس زن در آن مورد توجه قرار دارد (لطفی، ۱۳۸۱، ص ۷۹). بنابراین، تمکین چه به صورت عام و چه به صورت خاص، دلیلی بر لزوم اطاعت از زوجه در انجام جراحی زیبایی نیست.

۷-۱-۲. از باب استمتاع

با عقد ازدواج، مرد حق استمتاع و بهره‌وری جنسی از همسر خود پیدا می‌کند و می‌تواند از او هرگونه لذت جنسی اعم از نگاه کردن، لمس، آمیزش و غیر آن ببرد و زن نمی‌تواند بدون اجازه شوهر، خود را به کارهایی مشغول کند که با این حق شوهر منافات داشته باشد. (نجفی، ۱۴۰۴، ۱۸۳/۳) بر زن واجب است از چیزی که موجب تنفر شوهر از وی می‌شود مانند خوردن سیر، پیاز و آلودگی بدن و یا لباس به کتافت‌ها پرهیز کند (نجفی، ۱۴۰۴، ۱۴۸/۳۱). امام خمینی رحمته الله علیه در این مورد می‌فرماید:

عدم تمکین زن از تمتعات جنسی شوهر و پاکیزه نکردن بدن از چیزهایی که تنفرآمیز و مانع از لذت هستند و ترک نظافت و آراستگی در صورت درخواست مرد خروج از اطاعت واجب شمرده می‌شود و نفقه به او تعلق نمی‌گیرد، ولی اگر زوجه عذر شرعی یا عقلی داشته باشد نفقه او ساقط نمی‌شود. (موسوی خمینی، بی تا، ۳۰۵/۲)

شهید ثانی و صاحب جواهر در این زمینه می‌گویند: «حق استمتاع بر زن واجب است. این حق اختصاص به زمان یا مکان خاصی ندارد، پس زن نمی‌تواند کاری برخلاف این حق شوهر انجام دهد مگر اینکه از او اذن گرفته باشد». (شهیدثانی، ۱۴۱۶، ۳۳۷/۸؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۱۸۳/۳۱) فاضل هندی می‌گوید: «منع زوج از برخی استمتاعات جنسی و یا تحدید آن از جهت زمان یا مکان، نشوز است مگر اینکه زوجه در زمان حیض باشد که در این صورت اجماع آن را استثنا کرده است». (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۵۵۶/۷) بر زن واجب است نسبت به استمتاعات جنسی از شوهر خود تمکین کند و خود را در اختیار او قرار دهد مگر آنکه مانع عقلی یا شرعی وجود داشته باشد. اگر زوج ادعا کند که این عمل جراحی زیبایی برای استمتاع مفید است، اما مانع عقلی و شرعی که اینجا وجود دارد آن است که عمل جراحی غیر ضروری فقط در صورت وجود غرض عقلایی در مرتکب عمل مباح است، ولی در این مورد مرتکب که زوجه باشد غرض عقلایی و میل به انجام عمل را ندارد، پس این جراحی حرام است و مانع شرعی برای استمتاع محسوب می‌شود. بنابراین، اطاعت از دستور زوج مبنی بر انجام جراحی زیبایی در محدوده استمتاع جنسی نیست، پس زوج نمی‌تواند زوجه را بر این امر مجبور کند نه از باب ریاست خانواده، نه از باب تمکین و نه از باب استمتاع زوجه. (صالحی و باقری مطلق، ۱۳۹۶، ش ۶۷، ص ۴۰)

۸. نتیجه‌گیری

تداوی و جراحی بردو قسم ضروری و غیرضروری است که در مورد ضروری اذن همسر لازم نیست مگر اینکه با زناشویی در تداخل باشد. در موارد غیرضروری، لزوم اذن همسر، مسلم است. ماهیت اذن و رضایت اخذشده توسط مراکز درمانی، برائت پزشک و مرکز درمانی است که عهده پزشک و مرکز درمانی را از مسئولیت ناشی از اشتباه متعارف پزشکی، بری می‌سازد. هزینه درمان بیماری‌های معمولی، جز نفقه و برعهده زوج است در حالی که هزینه‌های سنگین درمان بیماری‌های سخت، خارج از قلمرو نفقه است و پرداخت آن توسط زوج، از باب احسان و حسن معاشرت محسوب می‌شود مشروط به اینکه موجب عسرو حرج وی نگردد.

زوج نمی تواند همسر خود را برای انجام جراحی غیرضروری و زیبایی، مجبور کند زیرا قدرت براین الزام خارج از حدود ریاست مرد است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۷۵)، مترجم: الهی قمشه ای، محمد مهدی، قم: انتشارات اسوه.
۱. ابن عابدین (۱۳۱۵). رد المختار علی در المختار. بیروت: دار الفکر للطبع و النشر و التوزیع.
 ۲. احمدی، جعفر، و فلاح، محمدرضا (۱۳۹۶). تبیین اختیارات زوج در تصمیم گیری زوجه در امور پزشکی. نشریه مطالعات حقوق، ۱۲، ۶۹-۹۱.
 ۳. بشیری، عباس (۱۳۹۵). حقوق کاربردی خانواده - دعاوی خانوادگی. تهران: انتشارات جنگل.
 ۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۰). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.
 ۵. خامنه ای، محمد (۱۳۷۵). حقوق زن. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
 ۶. خلجی، حسن رضا، (بهار و تابستان ۱۳۸۵)، بررسی حکم فقهی واکتومی و توبکتومی، نشریه فقه و تاریخ تمدن، شماره ۸۷، ۶۷-۸۶.
 ۷. رحیمی، حبیب الله، صادقی، محمدجواد، و عمانی سامانی، رضا (۱۳۹۰). رضایت زوج در انجام اعمال پزشکی یا جراحی زوجه. نشریه علمی و پژوهشی حقوق خصوصی، ۱(۸)، ۴۲-۴۳.
 ۸. رهبر، مهدی (۱۳۹۳). محدوده شرعی تمکین عام زوجه. نشریه پژوهش های فقهی، ۱(۱۰)، ۶۱-۸۲.
 ۹. روشن، محمد (۱۳۹۰). حقوق خانواده. تهران: انتشارات جنگل.
 ۱۰. زراعت، عباس (۱۳۸۸). قواعد فقه مدنی. تهران: نشر جنگل.
 ۱۱. سلطانی، عباس علی، کراچیان ثانی، فاطمه (پاییز ۱۳۹۲)، اثبات فقهی و حقوقی قاعده (لزوم حفظ نفس) در اسلام، نشریه پژوهش های فقهی، ۳(۹)، ۸۵-۱۱۴.
 ۱۲. شریعتی، روح الله، (زمستان ۱۳۹۳)، قاعده عدم ولایت و حقوق مردم، نشریه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم. نشریه علوم سیاسی، ۶۸(۱۷)، ۷-۲۶.
 ۱۳. شهیدثانی، زین الدین ابن علی (۱۴۱۶). مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام. بی جا: مؤسسه پاسدار اسلام.
 ۱۴. شهیدثانی، زین الدین ابن علی (۱۳۸۶)، شرح اللمعه. نجف: منشورات جامعه النجف الدینییه.
 ۱۵. صادقی مقدم، محمدحسن، و امیرحسینی، امین (۱۳۹۴). نفقه و نیازهای درمانی زوجه. نشریه علمی - پژوهشی زن در فرهنگ و هنر، ۳(۷)، ۴۰۵-۴۱۹.
 ۱۶. صالحی، حمیدرضا، و باقری مطلق، نرگس (۱۳۹۶). مطالعه فقهی - حقوقی اذن زوج در اعمال جراحی زیبایی زوجه. نشریه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ۶۷(۲۲)، ۳۱-۵۶.
 ۱۷. صفایی، حسین، و امامی، اسدالله (۱۳۹۰). حقوق خانواده. تهران: نشر میزان.
 ۱۸. فاضل هندی، محمدبن حسن اصفهانی (۱۴۱۶). کشف اللثام والابهام عن قواعد الاسلام. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
 ۱۹. فرحی، سیدعلی (۱۳۹۰). تحقیق در قواعد فقهی اسلام. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
 ۲۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۵). حقوق مدنی خانواده. تهران: شرکت انتشار با همکاری برنا.
 ۲۱. کیخا، محمدرضا، چراغی پور، فاطمه، عباسی، زهرا (۱۳۹۸). حق سلطنت زن بر بدن خود و تزامم با حقوق زوج. نشریه فقه و حقوق خانواده، ۷۰(۲۴)، ۸۹-۱۱۶.
 ۲۲. گوستاولوبون (۱۳۵۳). تمدن اسلام و غرب. مترجم: حسینی، هاشم، بی جا: بی نا.
 ۲۳. لطفی، اسدالله (۱۳۸۸). حقوق خانواده. تهران: انتشارات خرسندی.

۲۴. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۶۵). حقوق خانواده. تهران: نشر علوم اسلامی.
۲۵. محقق قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن (۱۳۷۱). جامع الشتات. تهران: کیهان.
۲۶. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۶۳). تحریر الوسیله. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۷. موسوی خمینی، روح الله (بی تا). تحریر الوسیله. قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
۲۸. نجفی، شیخ محمد حسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۹. هدایت نیا، فرج الله (۱۳۹۶). حقوق خانواده، چالش ها و راهکارها. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

